

پرسش ۸۰: آیا وزیر امام مهدی هاشمی است و آیا یارانش برتر از یاران رسول خدا هستند؟

سؤال / ۸۰: وزیر الإمام المهدي محمد بن الحسن (عليه السلام) وخليفته ووصيه هل يكون هاشمياً، أم غير هاشمي؟ وأصحاب الإمام المهدي (عليه السلام) هل هم أفضل من أصحاب رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وأصحاب الأئمة (عليهم السلام) وأصحاب الحسين (عليه السلام)، أم أنّ أصحاب الحسين (عليه السلام) أفضل منهم؟

آیا وزیر امام مهدی محمد بن الحسن و جانشین و وصی او، هاشمی است یا غیر هاشمی؟ و آیا اصحاب امام مهدی (عليه السلام) برتر از اصحاب رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) و اصحاب ائمه (عليهم السلام) و اصحاب امام حسین (عليه السلام) هستند، یا اینکه اصحاب حسین (عليه السلام) از آنها برترند؟

الجواب: وصي الإمام المهدي (عليه السلام) لا بد أن يكون هاشمياً من ذرية علي وفاطمة، بل ولا بد أن يكون من ذرية الحسين (عليه السلام) بالخصوص، بل ولا بد أن يكون من ذرية الإمام المهدي محمد بن الحسن (عليه السلام) أكيداً وقطعاً لا غير؛ لأن نور الخلافة والوصاية انتقل إلى صلب الإمام المهدي محمد بن الحسن (عليه السلام)، فلا بد أن ينتقل هذا النور إلى ولده وذريته قطعاً، ويظهر فيمن شاء الله أن يظهره فيه، فيجعله وصياً للإمام المهدي (عليه السلام).

پاسخ: وصی امام مهدی (عليه السلام) باید هاشمی از فرزندان علی و فاطمه باشد، حتی باید به خصوص از فرزندان امام حسین باشد، و حتی قطعاً و اکیداً باید از ذریه و فرزندان امام مهدی محمد بن الحسن (عليه السلام) باشد و لا غیر؛ چرا که نور خلافت و وصایت به صلب امام مهدی محمد بن الحسن (عليه السلام) منتقل شد، پس این نور قطعاً و یقیناً باید به فرزندان و نسل او منتقل گردد و در آن کس که خداوند بخواهد ظاهر گرداند، ظاهر می شود و او را وصی امام مهدی (عليه السلام) قرار می دهد.

وورد في الروايات أنّ بعد الإمام المهدي (عليه السلام) اثنا عشر مهدياً وهم من ولده (عليه السلام) كما ورد في دعاء (اللهم أدفع عن وليك ...) المروي عن الإمام الرضا (عليه السلام) حيث يقول الإمام (عليه السلام): (اللهم أعطه في نفسه وأهله وولده وذريته وأمه وجميع رعيته ما تقرّ به عينه، وتسرّ به نفسه وتجمع له ملك المملكات كلها) [212].

در روایات وارد شده است که پس از امام مهدی دوازده مهدی می‌باشد که از فرزندان او هستند. همان طور که در دعای (اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَن وَّلِيِّكَ...) (خداوندا! دفع کن از ولیّات...) که از امام رضا (عليه السلام) روایت شده آمده است، آنجا که امام (عليه السلام) می‌فرماید: (اللَّهُمَّ اعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ وَ جَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ تَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ وَ تَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا) (خداوندا! به او عطا کن در وجودش و اهلش و فرزندان و نژادش و امت و همه‌ی رعیتش، چیزی که چشمش را به آن روشن کنی، و وجودش را به آن خوشحال نمایی، و برای او گردآوری، فرمانروایی همه‌ی مملکت‌ها را) (1).

وفي الصلاة المروية عن الإمام المهدي (عليه السلام): (... وصل على وليك وولاية عهدك، والأئمة من ولده، ومدّ في أعمارهم، وزد في آجالهم، وبلغهم أقصى آمالهم ديناً ودنياً و آخره) [213].

و در صلوات روایت شده از امام مهدی (عليه السلام) آمده است: (... وَ صَلِّ عَلَى وَّلِيِّكَ وَ وِلَاةِ عَهْدِكَ وَ الْأئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ وَ مُدِّ فِي أَعْمَارِهِمْ وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ وَ بَلِّغْهُمْ أَقْصَى آمَالِهِمْ دِيناً وَ دُنْيَاً وَ آخِرَةً) (... و بر ولیّت و زمام‌داران پایبند به عهدت و امامان از فرزندان صلوات و درود فرست، و بر عمرشان بیافزا و بر طول حیاتشان فزونی بخش، و به نهایت آرزوهای دینی و دنیوی و اخرویشان برسان) (1).

وكل هؤلاء هم آباء وأبناء ليس فيهم إخوة، فكما ورد في الحديث عن أهل البيت (عليه السلام): (إنّ الإمامة لا تجتمع في أخوين بعد الحسن والحسين عليهما

السلام) (214]، وهؤلاء الاثنا عشر مهدياً (عليه السلام) هم أئمة هدى ومهديون، ولكن ليسوا كالأئمة من آل محمد عليهم صلوات الله.

و همه‌ی آنها پدران و پسران هستند و در آنها برادری وجود ندارد، همان گونه که در حدیث از اهل بیت آمده است: (پس از حسن و حسین (علیهم السلام) امامت بین دو برادر جمع نمی‌شود) و این دوازده مهدی (علیهم السلام)، امامانی هدایتگر و هدایت شده هستند، ولی همانند ائمه از آل محمد که سلام و صلوات خداوند بر ایشان باد، نمی‌باشند.

وبعد الإمام المهدي (عليه السلام) بهؤلاء المهديين الاثني عشر تبقى الأرض، ولولاهم لساخت بأهلها، كما ورد في الروايات عن أهل البيت (عليه السلام) أنه: (لو خليت الأرض من إمام لساخت بأهلها) (215]، فهم بعد الإمام المهدي (عليه السلام) الحجة البالغة لله سبحانه وتعالى، والأحاديث فيهم كثيرة:

پس از امام مهدی (علیه السلام)، به واسطه‌ی این مهدیون دوازده‌گانه (علیهم السلام) زمین بر جای می‌ماند و اگر آنها نبودند اهلش را فرو می‌برد؛ همان طور که در روایات اهل بیت آمده است که (اگر زمین از امام خالی شود، اهلش را فرو می‌برد) (216]، آنها پس از امام مهدی حجت بالغه‌ی خداوند سبحان و متعال هستند و احادیث در مورد آنها بسیار است:

منها: عن أبي بصير، قال: (قلت: للصادق جعفر بن محمد (عليه السلام): يا بن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) سمعت من أبيك أنه (عليه السلام) قال: يكون بعد القائم (عليه السلام) اثنا عشر إماماً. فقال (عليه السلام): إنما قال اثنا عشر مهدياً ولم يقل اثنا عشر إماماً، ولكنهم قوم من شيعتنا يدعون الناس إلى مواليتنا ومعرفة حقنا) (217]،.

از جمله: ابو بصیر می‌گوید: به امام صادق جعفر بن محمد (علیه السلام) عرض کردم: ای پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)! من از پدرت شنیدم که می‌فرمود: (پس از قائم، دوازده امام می‌باشد). امام صادق فرمود: (فرمود: دوازده مهدی و نگفته دوازده امام!

ولیکن آنها گروهی از شیعیان ما هستند که مردم را به موالات و دوستی ما و شناخت حق ما دعوت می کنند). [218]

و عن الصادق (عليه السلام) عن آبائه عن أمير المؤمنين (عليه السلام)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) في الليلة التي كانت فيها وفاته لعلي (عليه السلام): يا أبا الحسن أحضر صحيفة ودواة، فأملئ رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضع، فقال: يا علي إنه سيكون بعدي اثنا عشر إماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدياً، فأنت يا علي أول الإثنا عشر إمام... وساق الحديث إلى أن قال: وليسلمها الحسن (عليه السلام) إلى ابنه محمد المستحفظ من آل محمد (عليه السلام) فذلك اثنا عشر إماماً، ثم يكون من بعده اثنا عشر مهدياً، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه أول المهديين له ثلاثة أسامي: اسم كأسمي واسم أبي وهو عبد الله وأحمد والاسم الثالث المهدي، وهو أول المؤمنين) [219].

از امام صادق (عليه السلام) از پدراناش از امير المؤمنين (عليه السلام) نقل شده است که فرمود: (رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) در شبی که وفاتش واقع شد به علی فرمود: (... یا ابوالحسن صحیفه و دواتی حاضر کن. و پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) وصیتش را املا فرمود تا به این جا رسید که فرمود: یا علی پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آنها دوازده مهدی (علیهم السلام) هستند، یا علی تو نخستین دوازده امام هستی.... و سپس حدیث را ادامه می دهد تا آنجا که می فرماید: و حسن (عليه السلام) آن را به فرزندش، محمد، مستحفظ از آل محمد (عليه السلام) تسلیم کند و ایشان دوازده امام می باشند و سپس دوازده مهدی (علیهم السلام) بعد از او می باشد. پس اگر وقت وفاتش رسید، خلافت را به فرزندش نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورنده می باشد) [220].

و عن الصادق (عليه السلام): (إنّ منا بعد القائم (عليه السلام) اثنا عشر مهدياً من ولد الحسين (عليه السلام)) [221]. وهذا القائم هو الإمام محمد بن الحسن المهدي (عليه السلام).

و از امام صادق (عليه السلام) روایت شده است که فرمود: «از ما پس از قائم دوازده مهدي از نسل حسين است» [222]؛ و این قائم، همان امام محمد بن الحسن المهدي (عليه السلام) می باشد.

و عن الصادق (عليه السلام)، قال: (إنّ منا بعد القائم أحد عشر مهدياً من ولد الحسين (عليه السلام)) [223]. وهذا القائم في هذه الرواية ليس الإمام المهدي محمد بن الحسن (عليه السلام)، بل هو وزيره ووصيه وأول المهديين من بعده؛ لأن بعد الإمام المهدي (محمد بن الحسن (عليه السلام)) اثنا عشر مهدياً من ولده متسلسلين ذرية بعضها من بعض، وبعد أول هؤلاء الاثني عشر مهدياً أحد عشر مهدياً من ولده متسلسلين ذرية بعضها من بعض.

و از امام صادق روایت شده است که فرمود: (از ما پس از قائم، یازده مهدي از نسل حسين (عليه السلام) است)؛ [224] و قائم در این روایت، امام مهدي محمد بن الحسن (عليه السلام) نیست، بلکه وزیر و وصی آن حضرت و نخستین مهديین پس از او می باشد؛ چرا که پس از امام مهدي (محمد بن الحسن (عليه السلام)) دوازده مهدي از نسل او، نسل اندر نسل، یکی پس از دیگری می باشند و پس از اولین این مهديین دوازده گانه، یازده مهدي سلسله وار از نسل یکدیگر می باشند.

والحمد لله وحده أولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً، و لعنة الله على إبليس و جنده من الأتس و الجن و لعنة الله على أعداء آل محمد من الأولين الآخرين، و لعنة الله على أعداء الإمام المهدي (عليه السلام)، و لعنة الله على أعداء ولد الإمام المهدي (عليه السلام)، و لعنة الله على أعداء أنصار الإمام المهدي (عليه السلام).

و حمد و سپاس تنها از آن خداوند است، اول و آخر و ظاهر و باطن، و لعنت خدا بر ابلیس و ارتش او از انس و جن، و لعنت خداوند بر دشمنان آل محمد (علیهم السلام) از اولین و آخرین، و لعنت خدا بر دشمنان امام مهدی (علیه السلام)، و لعنت خدا بر دشمنان فرزندان امام مهدی (علیه السلام)، و لعنت خدا بر دشمنان انصار امام مهدی باد!

أما بالنسبة لبقية أصحاب الإمام المهدي (عليه السلام) الثلاث مائة وثلاثة عشر، فهم: صفوة الخلق منذ أن خلق الله آدم إلى أن تقوم الساعة، وكما قال عنهم سيد الموحدين وأمير المؤمنين (عليه السلام) ما معناه: (بأبي وأمي هم من عدة أسماؤهم في السماء معروفة، وفي الأرض مجهولة، لا يسبقهم الأولون بعمل، ولا يلحقهم الآخرون) ([225]).

اما در خصوص بقیه یاران امام مهدی (علیه السلام) که سیصد و سیزده نفرند؛ آنها برگزیدگان خلق از زمانی که خداوند آدم را آفرید تا آنگاه که قیامت برپا شود، می باشند؛ و همان طور که سید الموحّدين و امیر المؤمنین (علیه السلام) در مورد آنها به این مضمون فرموده است: (پدر و مادرم به فدایشان! آنها عده ای هستند که نام هایشان در آسمان معروف است و در زمین گمنام اند، نه پیشینیان بر آنها سبقت می گیرند و نه پسینیان به آنها می رسند) ([226]).

وهم قطعاً أفضل من أصحاب رسول الله، وأفضل من أصحاب الحسين (عليه السلام)، بل كما ورد في الرواية عنهم (عليهم السلام): يمرّون هؤلاء الثلاث مائة وثلاثة عشر وهم أمة محمد (عليه السلام) يوم القيامة فتقول الأمم: إنّ هؤلاء كلّهم أنبياء ([227]).

آنها قطعاً برتر از اصحاب پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و برتر از اصحاب امام حسین می باشند و حتی همانطور که در روایت از اهل بیت (علیه السلام) درباره ی آنها آمده است: این سیصد و سیزده نفر که امّت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشند، روز قیامت عبور می کنند، در حالی که امّت ها می گویند: اینها همگی پیامبرند. ([228])

وقال عنهم رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) شوقاً إليهم: (اللهم لقتي أخواني) [229]. وبكى لأجلهم جعفر بن محمد الصادق (عليه السلام) ودعا لهم [230] قبل أكثر من ألف سنة، وتمناهم لوط النبي (عليه السلام) قبل آلاف السنين [231]. وإن الأرض التي يمرون عليها لتفتخر بهم وتتباهى بسيرهم عليها [232].

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) از روی اشتیاق به دیدارشان، درباره‌ی آنها فرمود: (خداوندا! برادرانم را به من بنمای) [233]؛ و جعفر بن محمد صادق بیش از هزار سال پیش، برایشان گریست و دعا فرمود [234]، و هزاران سال پیش، لوط پیامبر، آنها را تمنا نمود، [235] و زمینی که آنها بر آن گذر می‌کنند بر آنها افتخار می‌کند و به عبور کردن آنها، فخر فروشی می‌کند. [236]

فتوبى لهم وحسن مآب، وهذا هو الشرف العظيم والفضل الجسيم، أسأل الله أن يجعلني من أوليائهم وأنصارهم، وممن يجاهد معهم لإعلاء كلمة الله سبحانه وتعالى.

پس خوشا به حالشان و چه سرانجام نکویی دارند، و این همان شرف عظیم و فضل سترگ است. از خداوند مسئلت می‌نمایم که مرا در زمره‌ی اولیا و انصار آنها و از کسانی که همراه آنها در راه اعتلای کلمه‌ی الله سبحانه و متعال جهاد می‌کنند، قرار دهد.



[212] - مصباح المتعجد : ص 411.

[213] - غيبة الطوسي : ص 281 ح 238.

[214] - الكافي : ج 1 ص 286 ح 4.

[215] - عيون أخبار الرضا (عليه السلام) : ج 2 ص 246، مختصر بصائر الدرجات : ص 9.

[216] - عیون اخبار الرضا ع: ج 2 ص 246؛ مختصر بصائر الدرجات: ص 9.

[217] - کمال الدین و تمام النعمة: ص 358.

[218] - کمال الدین و تمام النعمة: ص 358.

[219] - غيبة الطوسي: ص 150 ح 111، مختصر بصائر الدرجات: ص 39، بحار الأنوار: ج 53 ص 148.

[220] - غيبة طوسی: ص 150 ح 111؛ مختصر بصائر الدرجات: ص 39؛ بحار الانوار: ج 53 ص 148.

[221] - مختصر بصائر الدرجات: ص 182، بحار الأنوار: ج 53 ص 148. والأحاديث في تعريف الناس بالمهديين

من بعد الإمام المهدي (عليه السلام) كثيرة جداً ناهزت الخمسين حديثاً، وفي كتاب (المهديين في حديث أهل البيت - أحد إصدارات أنصار الامام المهدي (عليه السلام)) 33 حديثاً، فراجع.

[222] - مختصر بصائر الدرجات: ص 182؛ بحار الانوار: ج 53 ص 148. و احاديث در شناسانیدن مهديون ع پس

از امام مهدي (عليه السلام) به مردم بسيار زياد هستند که نزدیک به پنجاه حديث را گرد آورده ام و در کتاب «مهديون در حديث اهل بيت» (يکي از انتشارات انصار امام مهدي ع) 33 حديث را نگاشته ايم؛ به آن رجوع نماييد.

[223] - غيبة الطوسي: ص 478 ح 504، بحار الأنوار: ج 53 ص 145.

[224] - غيبة طوسی: ص 478 ح 504؛ بحار الانوار: ج 53 ص 145.

[225] - نهج البلاغة: ص 126 / الخطبة 187.

[226] - نهج البلاغة: ص 126 - خطبه 187.

[227] - وفي مسند احمد: ج 1 ص 282: (... قال: فيقول إنَّ محمداً (صلى الله عليه و آله و سلم) خاتم

النبيين وقد حضر اليوم وقد غفر له ما تقدم من ذنبه وما تأخر، قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم):
فيأتوني فيقولون يا محمد اشفع لنا إلى ربك فليقض بيننا، فأقول: أنا لها حتى يأذن الله عز وجل لمن يشاء ويرضى،
فإذا أراد الله تبارك وتعالى أن يصدع بين خلقه نادى مناد أين أحمد وأمته فنحن الآخرون الأولون، نحن آخر الأمم
وأول من يحاسب، فتفرج لنا الأمم عن طريقنا فنمضي غراً محجلين من أثر الطهور، فتقول الأمم: كادت هذه الأمة
أن تكون أنبياء كلها...).

[228] - در مسند احمد جلد 1 صفحه 282: (... گفت: پس می گوید: محمد خاتم پیامبران آن روز حاضر

می شود و تمامی گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده می شود. رسول خدا ص می فرماید: **(به سوی من بیاوریدشان)**.
گویند: ای محمد، ما را نزد پروردگارت شفاعت کن. پس گویم: من از آنها هستم تا اینکه خداوند عزوجل به آنکه
بخواهد و راضی باشد، اجازه فرماید. پس آن هنگام که خداوند تبارک و تعالی اراده فرماید خلقش را جدا نماید،
منادی ندا دهد: احمد و امتش کجایند؟ که ما آخرین اولین هستیم؛ ما آخرین امتها هستیم که اول از همه
محاسبه می شویم. پس امتها از جلوی راه ما کنار روند و ما در اثر پاکی، سپیدرویان عبور کنیم در حالی که امتها
گویند: گویا این امت، جملگی پیامبرند!...).

[229] - التحصين لابن فهد الحلبي: ص 23، ومن مصادر العامة: المعجم الأوسط للطبراني: ج 5 ص 341، السنن

الكبرى للبيهقي: ج 1 ص 82.

[230] - انظر: الكافي: ج 1 ص 402 ح 5.

[231] - قال تعالى حكاية عن لوط (عليه السلام): (قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ) هود: 80. ورد عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال في قوله: (لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً) قال: (القوة: القائم (عليه السلام)، والركن الشديد: ثلاث مائة وثلاثة عشر) بحار الأنوار: ج 21 ص 158.

[232] - عن أبي جعفر (عليه السلام)، قال: (كأنني بأصحاب القائم (عليه السلام) وقد أحاطوا بما بين الخافقين فليس من شيء إلا وهو مطيع لهم حتى سباع الأرض وسباع الطير، يطلب رضاهم في كل شيء، حتى تفخر الأرض على الأرض وتقول: مر بي اليوم رجل من أصحاب القائم (عليه السلام) (كمال الدين وتمام النعمة: ص 673).

[233] - تحصين - ابن فهد حلي: ص 23؛ و از منابع اهل سنت: معجم أوسط طبرانی: ج 5 ص 341؛ سنن كبرى بيهقي: ج 1 ص 82.

[234] - کافی: ج 1 ص 402 ح 5.

[235] - حق تعالى درباره‌ی لوط (عليه السلام) می‌فرماید: (لوط گفت: کاش در برابر شما قدرتی می‌داشتم یا می‌توانستم به رکن شدید پناه ببرم) (هود: 80).

از ابو عبد الله ع درباره‌ی این سخن حق تعالى (لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً) (کاش در برابر شما قدرتی می‌داشتم) روایت شده است: (قُوَّةً: قائم، و رُكْنٍ شَدِيدٍ: سیصد و سیزده نفر). بحار الانوار: ج 21 ص 158.

[236] - از ابا جعفر (عليه السلام) روایت شده است که فرمود: (گویا یاران قائم ع را می‌بینم که بر شرق و غرب عالم مسلط شده‌اند و هیچ چیزی نیست مگر آنکه از آنها فرمان می‌برد، حتی وحوش زمین و پرندگان آسمان، در هر چیزی رضایت آنها را می‌خواهند، تا آنجا که قسمتی از زمین بر قسمت دیگر مباحات می‌کند و می‌گوید: امروز مردی از یاران قائم ع بر من عبور کرد). کمال الدين و تمام النعمة: ص 673.